

غلبه بر خوف

بوسیله قدرت ماورای طبیعی خدا

JOYCE MEYER

نتر سید!

غلبه بر
روح ترس
از طریق قدرت
ماوراء الطبیعه خدا

جويس ماير

فهرست

- ۷..... فریب خاموش
- ۱۹..... مسح شدن برای انجام کارهای عادی
- ۲۵..... وفاداری در چیزهای کوچک
- خداوند سرزمین وعده را به شما بخشیده،
- ۲۳..... آن را تصرف کنید!
- ۳۹..... در هر شرایطی از زندگی خود لذت ببرید
- ۴۸..... ایمان، دارای نگرش است
- ۵۶..... آیات قابل استفاده در مقابله با ترس
- ۶۰..... آشنائی با نویسنده

Unless otherwise indicated, all Scripture quotations are taken from The Amplified Bible (AMP). The Amplified Bible, Old Testament copyright © 1965, 1987 by The Zondervan Corporation. The Amplified New Testament, copyright © 1954, 1958, 1987 by The Lockman Foundation. Used by permission.

Scripture quotations marked (NEB) are taken from The New English Bible. © The Delegates of the Oxford University Press and The Syndics of the Cambridge University Press 1961, 1970. Reprinted by permission.

Scripture quotations marked (NKJV) are taken from The New King James Version. Copyright © 1979, 1980, 1982, Thomas Nelson, Inc. Used by permission. All rights reserved.

Scriptures marked (KJV) are taken from the King James Version of the Bible.

FaithWords Edition

Copyright © 1998 by Joyce Meyer
Life In The Word, Inc.
P.O. Box 655
Fenton, Missouri 63026

All rights reserved. Except as permitted under the U.S. Copyright Act of 1976, no part of this publication may be reproduced, distributed, or transmitted in any form or by any means, or stored in a database or retrieval system, without the prior written permission of the publisher.

FaithWords
Hachette Book Group USA
237 Park Avenue
New York, NY 10017

Visit our Web site at www.faithwords.com.

Printed in the United States of America

First Hachette Book Group USA: February 2003

10 9 8 7 6 5 4 3

FaithWords is a division of Hachette Book Group USA, Inc.

The FaithWords name and logo are trademarks of Hachette Book Group USA, Inc.

ISBN 978-0-446-69197-0 (Special Sales Edition)

LCCN: 2002115548

نتر سید!

(۱)

فریب خاموش

آیا شما هر روز منتظرید تا چیزهای خوب برایتان اتفاق بیفتد؟ یا منتظرید روز دیگری را با ترس و وحشت مداوم آغاز کنید؟

خداوند ما را پیوسته می خواند تا از او برکات بیشتری دریافت کنیم. او می خواهد ما از زندگیهایمان لذت ببریم. مسیح آمد تا به ما حیات ببخشد و ما از آن زندگی لذت ببریم و از آن به فراوانی بهره مند شویم. (بر اساس یوحنا ۰۱:۰۱)

گاهی مردم از روزمرگی و برنامه های یکنواخت روزانه ترس دارند و این شادی و آرامش را از زندگیشان بیرون میکند. مردم از این که هر روز از خواب بیدار شوند و شب دوباره به رختخواب برگردند، از تکرار کارهایی چون ظرف شستن، خرید

کردن، شستشوی لباسها و یا حتا رانندگی کردن از سر کار به خانه، خسته شده اند و واقعا از تکرار این روزمرگی دچار ترس و وحشت می شوند.

ترس، یک نوع از وحشت است (یک نمونه کوچکی از آن) و نگرانی، نوع دیگری از وحشت. شیطان از این وسیله - یعنی ترس- طوری استفاده می کند که ما متوجه نمی شویم شادیمان را دزدیده است و مانع میشود تا آن گونه زندگی کنیم که خداوند برایمان در نظر گرفته است. در کتاب مقدس می بینیم که خداوند به افرادی که آنها را خوانده است تا کارهای بزرگ انجام دهند، می فرماید: "نترسید!"، چون ترس مانع می شود آنها به جلو حرکت کرده و مطابق اراده او عمل نمایند. کلام خدا در دوم تیموتائوس ۷:۱ میفرماید "ترس از خداوند نیست." زیرا خداوند روح ترس را به ما نداده است، بلکه روح قوت و محبت و تأدیب را." در اول یوحنا ۴:۸۱ به ما می فرماید ترس، عذاب دارد. ترس، آزار می دهد و مانع می شود که در اراده خداوند گام برداریم و اراده او را به جا آورده، برکات او را دریافت نمائیم.

همه ما از ترسی که آشکارا و در مواقعی قابل تشخیص هست، آگاهیم. وقتی ترس را می شناسیم، میدانیم با آن چگونه برخورد کنیم. ولی اگر ترس از کارهای روزمره و مشکلات کوچک را یک حمله از

نوع ترس علیه خودمان تشخیص ندهیم، نمی توانیم با آن برخورد کنیم. آن وقت است که شیطان قادر خواهد بود از روح ترس استفاده کرده و لذت های زندگی را از ما بدزدد.

شاید تعداد دفعاتی که ما روزانه انواع مختلف ترس را چه در تفکراتمان و چه در احساساتمان تجربه می کنیم، قابل شمارش نباشند. اگر ما وضعیتی را که در آن احساس ترس می کنیم، تشخیص ندهیم، پس ممکن است کاری هم در جهت اصلاحش انجام ندهیم، جز اینکه آرزو کنیم ای کاش در آن موقعیت نبودیم.

ما اکثر اوقات از ناشناخته ها - از انجام چیزهای جدید یا امتحان کردن آنها - می ترسیم و حتی نمی دانیم که در ترس و هراس به سر می بریم. مثلاً وقتی آرایشگرم که ۷ - ۸ سال موهایم را مرتب می کرد، از کارش بازنشسته شد، من نزد آرایشگر جدیدی رفتم. وقتی داشتم به طرف آرایشگاه او رانندگی می کردم، ناگهان به خود آمدم و دیدم که نگران هستم که مبادا موهایم به خوبی دفعات قبلی نشود. من از این موضوع میترسیدم و خودم هم آن را تشخیص نمی دادم. در آن لحظه روح القدس با من صحبت کرد و چیزی به من گفت که زندگی را عوض کرد. او گفت:

"راجع به همه چیز دعا کن و نترس!"

راجع به همه چيز دعا كن و نترس

كتاب مقدس مي فرمايد: "هميشه دعا كنيد" (اول تسالونيكيان ۵: ۱۷).

دعاي موثر به اين بستگي ندارد كه ما در مكان يا زمان به خصوصي يا در شرايط ويژه اي دعا كنيم. خداوند مي خواهد در دعا كردن همانقدر راحت باشيم كه وقتي نفس مي كشيم. وقتي ما دعا مي كنيم، از ايمان خود استفاده مي كنيم و خداوند از ما مي خواهد كه آماده باشيم تا در هر لحظه بتوانيم ايمانمان را آزاد كنيم. پس وقتي ترس آمد و در خانه ما را زد، ايمان آنجاست كه جواب بدهد، و اين موضوع جنبه حياتي دارد! ايمان، تنها چيزي است كه قدرت آن را دارد تا بر ترس غلبه كند.

بیدار باشید و دعا کنید

كتاب مقدس مي فرمايد بيدار باشيم و دعا كنيم. (متي ۲۶: ۴۱ و مرقس ۱۴: ۳۸)

"بيدار باشيد و دعا كنيد تا در معرض آزمائش نيافتيد، روح راغب است ليكن جسم ناتوان." (متي ۲۶: ۴۱)

دعای من این است که روح القدس از پیغام این کتاب استفاده کرده، چشمان شما را باز کند تا ترس و انواع آن را بشناسید و بتوانید نسبت به آن بیدار بوده و آماده باشید تا دعا کنید "تا در معرض آزمایش نیافتید" و نترسید!

برخی از افراد فکر میکنند بیدار بودن، دعا کردن و تأمل در کلام خدا به این معناست که مواظب دیگران باشیم: "بیدار باش و قضاوت کن، بیدار باش و سرزنش کن!" خیر، معنی آن این است که مواظب خودمان باشیم. به خصوص معنی آن این است که مواظب باشیم تا چیزهایی که سعی میکنند آرامش و شادی ما را به عنوان فرزندان خدا بدزدند، نتوانند چنین کنند. (رومیان ۴۱:۷۱)

البته می تواند این معنی را هم داشته باشد که مواظب چیزهایی باشیم که ما را به این فکر می اندازد که شاید در راستی با خداوند نیستیم یا در راستی زندگی نمیکنیم (یعنی راستی ای که انسان را برای خداوند قابل قبول می کند (رومیان ۴۱:۷۱). اگر مسیح را به عنوان نجات دهنده پذیرفته اید، پس با خداوند در جای صحیح قرار دارید. (دوم قرنتیان ۵:۱۲). اگر گناهی مرتکب شده اید و از خداوند طلب بخشش نموده اید، او شما را بخشیده است! (اول یوحنا ۱:۹) با ترس از اینکه خداوند از شما راضی نیست، زندگی نکنید!

گناه شما با خون مسیح پاک شده است

اگر شیطان شما را محكوم كرد، با كلام خدا جواب او را بدهيد و بگوييد: "يك دقيقه صبر كن ببينم! من مي دانم كاري كه كردم اشتباه بود، ولي اكنون توبه كرده ام و گناه من زير خون مسيح قرار دارد. رستگاري من، بر اين مبنا نيست كه تمام كارها را كاملا درست انجام بدهم. من با خداوند در جاي درست قرار دارم، زيرا او مرا از طريق خون مسيح عادل شمرده است. من به عيسي مسيح ايمان دارم و به همين دليل از گناه و محكوميت پاک شده ام. گناه من بخشیده شده، محكوميت و تقصيري كه شيطان سعی دارد بر من تحميل كند، بايد برداشته شود. من بيش از اين زير بار اين محكوميت زندگي نمی كنم، در نام عيسي مسيح. آمين!" (بر اساس اول يوحنا ۷: ۱۰ و ۹)

همان هنگام كه بيدار و مواظب هستيد و دعا مي كنيد، چشمانتان باز مي شود و متعجب خواهيد شد كه از چه چيزهايي ترس يا هراس داريد. شيطان احساسات و افكار منفي را به ذهنتان مي آورد و به همين دليل هرچه بيشتر از كتاب مقدس نقل قول مي كنيد، شادي بيشترى را تجربه مي نماييد. در غير اين صورت، او مداوم با ترس بر سر شما مي كويد و با احساس گناه و محكوميت، باعث مي شود از اين كه از زندگيتان لذت ببريد، محروم شويد. من سالها به شيطان اجازه دادم

این کار را با من بکند، ولی دیگر به او این اجازه را نمیدهم. با این حال هنوز از چیزهایی که از آنها هراس دارم، تعجب می‌کنم. این موضوع را اخیراً وقتی داشتم برای ماساژ صورتم می‌رفتم، متوجه شدم. شخصی هست که با ماساژ صورت مرا برکت میدهد و محبت میکند. این ماساژها خیلی به من آرامش می‌دهند و وقتی تمام می‌شوند، احساس خیلی خوبی دارم. خانومی که این کار را می‌کند، یک حوله پارچه ای به من میدهد که بپوشم. در آن لباس حساسی احساس راحتی می‌کنم و از آن تجربه بی اندازه لذت می‌برم. ناگهان آن لحظه به لباسهایی که پوشیده بودم و با آنها به آنجا آمده بودم، نگاهی انداختم و بعد با خودم فکر کردم: "از پوشیدن دوباره این لباسها و رفتن به خانه هراس دارم!" دلم نمی‌خواست در مقایسه با آن ماساژ صورت، حرکتی یا کاری انجام دهم که برایم راحت نبود. در نتیجه نوعی ترس در خودم احساس کردم. این احساس، نه تنها تجربه لذت آن ماساژ را از من گرفت، بلکه آن شادی ای را هم که می‌توانستم با خودم ببرم، زایل کرد.

به محض اینکه چیزی را که از آن لذت می‌برید تمام می‌شود، شیطان دلیلی پیدا می‌کند تا شما را به سوی چیزی حرکت دهد که از آن هراس دارید. بنابراین لذتی را که تجربه کردید، بلافاصله از دست می‌دهید. یادآوری: همان لحظه که از چیزی که در آینده اتفاق

می افتد، هراسناک میشوید، خود را از لذت چیزی که در گذشته اتفاق افتاده بود، محروم می کنید. من این را در افرادی که برای شنیدن موعظه هایم می آیند، می بینم. آنها ابتدا از بودن در آنجا هیجان زده هستند، ولی وقتی به اواخر جلسه می رسیم، از این که به سمت خانه هایشان رانندگی کنند، می ترسند. حال می بینید که شیطان چگونه از ترس، تقریباً در همه شرایط استفاده می کند تا خوشی هایتان را بدزد. اگر شما نیز مانند چنین افرادی هستید، پس تنها زمانهای معدودی هست که واقعا احساس خوبی دارید. هراس، روح ترس است که از جهنم فرستاده شده تا نابودی به بار آورد.

قدرت غلبه بر ترس

ترس با زور و خشونت به دنبال ما می آید؛ چون ترس، سلطه جوست. پس اگر ما منفعلانه عمل کنیم، نمی توانیم او را شکست دهیم، بلکه باید از اقتداری که به عنوان یک ایماندار در اختیار ماست، استفاده نماییم.

”ای فرزندان ، شما از خدا هستید و بر شیطان غلبه یافته اید زیرا او که در شماست بزرگتر است از آنکه در جهان است.“ (اول یوحنا ۴: ۴)

ولی اگر بر آن که در ماست (یعنی روح القدس)، علیه آن که در جهان است (یعنی شیطان) تکیه نکنید، پس آنکه در جهان است، بر ما غلبه خواهد کرد. جسم شما (انسان نفسانی) نمی خواهد علیه شیطان قد علم کند. بلکه می خواهد طبق احساسات عمل نماید. می خواهد فقط با آرزو کردن، مشکل برطرف شود. می گوید: "ای کاش مجبور نبودم بچه ها را از مدرسه بردارم، ای کاش در این هوای به این گرمی مجبور نبودم بیرون از خانه بروم، ای کاش مجبور نبودم این کار را انجام دهم، ای کاش مجبور نبودم آن کار را بکنم..."

جسم باعث می شود همواره از درون، احساس شکست و توخالی بودن داشته باشید. اگر به شکل منفعلانه ای اجازه دهید تا احساسات و افکار منفی، به صورت ترس های کوچک به سراغ شما بیایند، همواره با "ای کاش"ها رو به رو میشوید و گفتن این که: "ای کاش چنین افکار منفی ای نداشتیم!"، شیطان را از دزدیدن شادی و آرامش شما بازنمیدارد، بلکه باید با او سلطه گرانه مواجه شوید! ما به عنوان ایمانداران به مسیح آن اقتدار لازم را داریم تا با شیطان بجنگیم. روح خدای زنده، درون ما هر آنچه را که بدان نیاز داریم، به ما بخشیده است. پس با چنین احساسات و افکاری کنار نیایید، بلکه از اقتدار خدا که در اختیار شماست، استفاده نمایید.

ملكوت را به تصرف درآوريد

"از زمان يحيى تعميددهنده تا كنون،
پادشاهى آسمان نيرومندان به پيش مى
رود؛ اما زورمندان بر آن ستم مى كنند."
(متى ۱۱:۱۲)

لازم است ما مسيحيان، افراد قوى و خشنى باشيم،
اما نه با مردم بلکه با شيطان متجاوز! مراقب خودتان
باشيد- اگر آرامشتان را از دست داديد، اگر احساس
نگرانى كرديد يا دلواپس شديد، اگر مردم را مورد
قضاوت قرار داديد يا نسبت به آنها انتقادگر شديد،
يا به محض آن كه متوجه شديد چه اتفاقى دارد مى
افتد- با سرسختى با شيطان برخورد كنيد. براى مثال
دعا كنيد. اگر متوجه شديد كه قضاوت مى كنيد يا
شخص ديگرى را تحت انتقادات خود قرار داده ايد،
عليه آن افكار سخن بگوييد:

"من منتقد و قضاوت گر نيستم. محبت خداوند به
وسيله روح القدس مرا پوشانده، و من بر اساس
روميان ۵:۵ در محبت گام برمى دارم. من انتقاد
و قضاوت نمى كنم، من نسبت به مردم رفتار بدى
نخواهم داشت. مى دانم من هم ضعيف هستم، پس
حقى ندارم كه ديگرى را قضاوت كنم. خداوندا مرا
بخش كه از شخص ديگرى انتقاد كردم و به من كمك

کن که در محبت گام بردارم. در نام مسیح آمین!"

اگر احساس میکنید چیزی اشتباه است ولی علتش را نمی دانید، از خداوند بپرسید اینجا چه خبر است، و او به شما نشان خواهد داد. ممکن است متوجه شوید که نگرانید. کار اشتباهی کرده اید و توبه نکرده اید یا با کسی بدرفتاری کرده اید و بعد اینطور وانمود کرده اید که مهم نبوده است. خداوند به شما نشان خواهد داد که چرا آرامش یا شادی ندارید. خیلی وقت ها اگر احساس کرده ام مسئله ای وجود دارد ولی نمی توانم آن را بفهمم، از خداوند پرسیده ام مسئله چیست؟ و او پاسخ داده: "ترس" و فهمیده ام که کاملاً درست است و از چیزی ترسیده ام. مطمئنم شما نیز وقتی بفهمید به چه سرعتی می توان از آن حمله های پنهانی رها شد، تعجب خواهید کرد. پس بیدار باشید و دعا کنید.

در محبت ترس نیست

اول یوحنا ۴:۸ می فرماید: "در محبت ترس نیست بلکه محبت کامل ترس را بیرون می اندازد زیرا ترس عذاب دارد و کسی که ترس دارد، در محبت کامل نشده است."

ممکن است بدانید که خداوند شما را دوست دارد، ولی هنوز در ترس به سر ببرید. اگر چنین است، باید

در درک محبت خداوند ناسب به خود رشد کنید؛ زیرا وقتی فهمیدید خداوند چقدر شما را دوست دارد، آنگاه ترس ناپدید می شود و دیگر وجود خارجی نخواهد داشت!

خداوند شما را دوست دارد و می خواهد آنقدر به شما برکت دهد که از صورتان خارج است. او می خواهد در تمام زوایای زندگیتان به شما پیروزی ببخشد، از جمله بر گناه، بر بخشهای سلامتی، امور مالی و اجتماعی تان. او می خواهد به شما شادی ببخشد. او می خواهد لحظه به لحظه در هر موقعیت با قدم برداشتن در ایمان، محبت او را دریافت کرده و برای همه چیز به او اعتماد کنید. محبت کامل ترس را بیرون می اندازد (اول یوحنا ۴:۸) و خداوند محبت کامل است. وقتی مکاشفه ای داشتید که آن محبت چقدر کامل است، دیگر هیچ چیزی نمی تواند باعث ترس شما گردد.

(۲)

مسح شدن برای انجام کارهای عادی

عبرانیان ۱۲:۱-۳ می فرماید: "مسابقه دو را با نگاه کردن به مسیح، با صبر دنبال کنیم... پس تفکر کنید در او که متحمل چنین مخالفتی بود که از گناهکاران به او پدید آمد. مبادا در جانهای خود ضعف کرده خسته شوید." (آیه ۳)

آیا وقتی به سینک پر از ظرفهای کثیف نگاه می کنید، در ذهنتان احساس عجز و ناتوانی می کنید؟ آیا فکر زدن چمن های باغ شما را افسرده می کند؟ آیا از تماس تلفنی با کسی یا حتی برنامه ریزی برای یک مهمانی می ترسید؟ خداوند به من آموخته که از زندگی لذت ببرم. همگی ما باید یاد بگیریم که از هر چیزی لذت ببریم. ممکن است پرسید: "حالا چطور از تمیز کردن خانه لذت ببرم؟" همه اینها بستگی به طرز فکر شما دارد.

ترس، طرز فکر شماست

شیطان با این طرز فکر که از چیزهای خاصی لذت ببریم و از چیزهای دیگر ترس داشته باشیم، برایمان برنامه ریزی کرده است.

برای مثال دخترم به من گفت: "به خاطر دارم که از کار کردن در تمام طول هفته، ترس داشتم و واقعا چشم انتظار تعطیلات آخر هفته بودم. به محض اینکه این تعطیلات داشت تمام میشد، دوباره از کار کردن در طول هفته جدید می ترسیدم."

نمی توان گفت که چند میلیون نفر از شغلشان متنفر هستند، ولی اگر شما هم جزو چنین افرادی هستید، بهتر است از کارتتان لذت ببرید. ترس، شادی و هر لذتی را که حین کار کردن می برید، یا حتی وقتی سر کار نیستید و استراحت میکنید، از شما می دزدد؛ چراکه از بازگشت دوباره بر سر کارتتان ترس دارید.

ما به عنوان یک مسیحی، میتوانیم حتی کارهایی را که برایمان خوشایند نیستند، انجام دهیم و از آنها لذت ببریم، حتی در شرایط ناخوشایند و سخت، چون روح القدس در ماست. این افتخاری است که افرادی که نجات نیافته اند، ندارند. شادی ما از کسی که درون ماست، می آید.

طرز فکر خود را دوباره تنظیم کنید

سال گذشته من و شوهرم - دیو - با چند نفر از گروه خدمتی مان به هندوستان رفتیم. مدت پرواز حدود شانزده ساعت بود، و این ساعات زیادی است که در هواپیما بنشینید.

اگر طرز فکری از ترس داشته باشید، کلام دهانتان نیز پر از ترس خواهد بود. ناگهان متوجه شدم که دارم به خودم می گویم: "از اینکه شانزده ساعت در هواپیما باشم، میترسم. واقعا برایم مشکل است که اینقدر طولانی بی حرکت بنشینم! می دانم که سفر خسته کننده ای خواهد بود." در حالی که میتوانستم بگویم: "بی صبرانه منتظرم به هندوستان برسم - ایمان دارم خداوند این سفر را هیجان انگیز خواهد کرد و ما همگی وقت خیلی خوبی را در این پرواز خواهیم داشت!"

خداوند به ما نشان داد که اگر فکرمان را روی لذت بردن از سفر تنظیم و متمرکز کنیم، سفر بدی نخواهد بود. پس ما هم افکارمان را تنظیم کردیم تا از بودن با یکدیگر لذت ببریم، تا وقت به سرعت بگذرد و سفر خوبی را تجربه کنیم.

ما به عنوان ایمانداران به مسیح، افراد فوق طبیعی هستیم. می توانیم پیش از انجام کاری که معمولا آن را دلیذیر و لذت بخش نمی دانیم، تصمیم بگیریم

از آن لذت ببریم. ما میتوانیم طرز فکر خود را برای شاد بودن و لذت بردن، یا برای احساس بدبختی و بیچارگی تنظیم کنیم. تمامی اینها بستگی به وضعیتی دارند که ما تصمیم گرفته ایم داشته باشیم.

وقتی از چیزی هراس داریم، می توانیم آگاهانه تصمیم بگیریم و به خود بگوییم: "من از آن هراسی نخواهم داشت"، سپس با دعا کردن ایمانمان را آزاد کنیم و به سادگی بگوییم: "خداوندا، از تو متشکرم که به من کمک می کنی تا این وظیفه و مأموریت را که در حالت طبیعی برایم ناخوشایند است، به انجام برسانم، چراکه ایمان دارم مسح تو می تواند بر من بیاید و آن را دلبذیر کند! با وجود این که ممکن است دیگران از این کار لذت نبرند، ولی من چون در تو فردی فوق طبیعی هستم، می توانم این کار را با شادی انجام دهم. شیطان نمی تواند لذت و شادی مرا بدزد. در نام عیسای مسیح، آمین!"

اگر از تمیز کردن خانه نفرت داریم، ولی باید این کار را انجام دهیم، چه فایده که از انجام آن هراس داشته باشیم؟ درعوض، باید اینگونه با آن برخورد کنیم:

"من باید این خانه را تمیز کنم، پس با روحیه خوب این کار را می کنم. من شادی خداوند را دارم و می توانم از هر چیزی لذت ببرم!"

اگر هر چیزی را در فرمان اینگونه تنظیم کنیم، از انجام هر کاری در زندگیمان لذت خواهیم برد.

روحانی بودن

سال ها پیش خداوند چیزی را به من نشان داد و متوجه شدم که مسائل روحانی برایم خیلی مهم هستند و از آنها لذت می برم، ولی از همه کارهایی که باید روزمره آنها را برای گذران زندگی انجام میدادم، هراس داشتم. احساس می کردم اینها چیزهایی هستند که باید باعجله تمامشان کنم تا بتوانم به انجام کارهای روحانی بازگردم. شیطان هم از آن فریب استفاده می کرد تا شادی مرا بدزد.

وقتی دعا می کردم یا کلام خدا را می خواندم یا موسیقی پرستشی یا نوارهای آموزشی گوش می کردم، و یا وقتی در جلسات روحانی بودم، احساس خیلی خوبی داشتم و فکر میکردم این کارها خیلی مهم اند. راجع به مسایل روحانی احساس خوبی داشتم، چون فکر می کردم آنها خداوند را خشنود می کنند. می خواستم وظایف روزمره مانند خرید کردن و یا تمیز کردن خانه را هرچه سریعتر تمام کنم تا به چیزهایی که فکر می کردم واقعا مهم هستند، برگردم. واقعیت این است که انجام کارهای روزمره وقت بیشتری از ما میگیرند تا هرچیز دیگری. خداوند

می خواهد بر روی ما دست بگذارد و ما را به صورت فوق طبیعی مسح کند تا کارهای عادی روزمره را به طریقی انجام دهیم که بتوانیم در حین انجام آنها شاد باشیم. اینجاست که می توانیم برای دنیا شاهد نیکو باشیم.

هرکسی می تواند هنگامی که در خوشی است، از زندگی لذت ببرد. ولی مهم نیست مسیحیان در چه موقعیتی هستند، آنها می توانند در هر شرایطی از زندگی خود لذت ببرند. زیرا می دانند خداوند در جستجوی راه هایی است که محبت خودش را هر لحظه به ما نشان دهد. به خاطر داشته باشید محبت خداوند ترس را بیرون می اندازد و ترس نوعی هراس است. در نتیجه وقتی ما از چیزهایی هراس داریم، در واقع در محبت خداوند نسبت به خودمان و اهمیتی که او به ما میدهد، گام بر نمی داریم. بنابراین ترس را دور انداخته و از تمام جنبه های زندگی تان لذت ببرید.

(۳)

وفاداری در چیزهای کوچک

”و اگر روح او که عیسی را از مردگان
برخیزانید در شما ساکن باشد، او که
مسیح را از مردگان برخیزانید، بدن های
فانی شما را نیز زنده خواهد ساخت
به روح خود که در شما ساکن است.“
(رومیان ۸: ۱۱)

وقتی سینک پر از ظرفهای کثیف ما را از پای
درآورد یا رفتن به فروشگاه برای خرید مایحتاجمان،
ما را دچار بیم و ترس کند، شاخص خوبی است از
این که ما از قدرتی که در مسیح از آن برخورداریم،
استفاده نکرده ایم. اگر مسایل پیش پا افتاده ای مانند
پوشیدن لباس بعد از ماساژ گرفتن و رانندگی کردن
به سمت خانه ما را به هراس می اندازد، پس واقعا از

زندگی لذت نمی بریم.

وقتی بر قدرت خداوند تکیه نمی کنیم، از انجام کارهای کوچک عادی که بیشتر وقت ما را اشغال می کنند، لذت نمی بریم. ولی اگر انجام این کارهای عادی برای ما مشکلاتی دائمی شده اند، واضح است که شیطان از عامل ترس، برای حمله ای وسیع به بدن مسیح استفاده کرده است. اگر این فریبکار خاموش، باعث شود که ما از انجام کارهای روزمره هراس داشته باشیم، آنگاه زندگی پیروزمندانه ای نخواهیم داشت. هراس داشتن از تمام آن چیزهای کوچک، چیزهایی که ما فکر میکنیم اهمیتی ندارند- چیزی است که شادی ما را می دزدد.

در متی ۵۲:۱۲ خداوند به ما می فرماید: "اگر بر چیزهای اندک امین باشیم او ما را بر چیزهای بسیار خواهد گماشت". وقتی در موعظه هایم این را به مردم می گویم، آنها به من می خندند. چون به نظر من این آیه به ما میگوید اگر شما بر سینکی پر از ظرفهای کثیف اقتدار نداشته باشید، پس به خودتان زحمت ندهید ارواح شریر را از کسی بیرون کنید.

ما فکر می کنیم باید از قدرت خداوند برای مسایل بزرگ "روحانی" استفاده کنیم. میخواهیم از این قدرت برای گوشمالی دادن شیطان، یا رسیدن به سطح تازه ای از موفقیت یا رسیدن به پیشرفتهای بزرگ استفاده کنیم.

بله، خدا این قدرت را برای تمام مسایل بزرگ روحانی نیز به ما بخشیده است - چه برای خودمان و چه برای خدمات فوق طبیعی به دیگران- ولی یک دلیل اصلی که خداوند قدرت خودش را به ما داده، این است که هر روز و لحظه به لحظه پیروزمندانه زندگی کنیم. او از ما می خواهد از پس کارهای عادی روزمره در زندگیمان برآییم، بدون اینکه توسط احساسات و افکارمان مانند افراد بی ایمان، شکست بخوریم. شادی باید مرتباً از آن ما باشد. خداوند به ما ارث روحانی خودش را داده تا از آن لذت ببریم که

"ما نیز در وی میراث او شده ایم، چنانکه
از پیش معین گشتیم برحسب قصد او
که همه چیزها را موافق رای اراده خود
می کند." (افسسیان ۱: ۱۱-۱۲)

ما می توانیم با میراث روحانی خود، با احساسی از آرامش و ایمنی که حاکی از آن است که میدانیم چه کسی هستیم و در عین حال متعلق به چه کسی هستیم، زندگی کنیم.

بیدار و هوشیار باشید و دعا کنید. مراقب ترس، وحشت، عذاب، نگرانی و دلواپسی در زندگیتان باشید و به این احساسات بگویید: "نه، من اینطور زندگی نمی کنم! خداوند برای من صلح و شادی فراهم کرده است. من با قوت سعی میکنم ذره به ذره از آن میراثی

که به من بخشیده شده، استفاده کنم. وقتی به آسمان می روم و او را رو دررو می بینم، می خواهم مطمئن باشم از تمام چیزهایی که روی زمین به من بخشیده بود، استفاده کرده ام."

وقتی مشکلات کوچک هستند، با آنها روبرو شوید

آنچه که اکثر مردم از آن لذتی نمی برند، روبه رو شدن با دیگران است، چراکه از آن می هراسند. گروه خدمتی ما هم اکنون اعضای زیادی دارد و نام آن گروه "زندگی در کلام" است. آنها افراد بسیار خوبی هستند که من قدرشان را می دانم، ولی مسلماً افراد بی نقصی نیستند. ما همیشه باید آماده رو به رو شدن با وضعیت اشخاصی باشیم که نیاز به تصحیح شدن دارند. من قبلاً از اصلاح کردن اعضای گروه می ترسیدم. بعضی افراد از آن برداشت خوبی ندارند یا به عبارت دیگر ناراحت می شوند. من نمی خواهم احساسات مردم را جریحه دار کنم یا آنها را عصبانی کنم، ولی داشتن یک خدمت قوی برای خداوند، یعنی داشتن یک گروه بدون نزاع و ستیزه، پس من راهی ندارم جز اینکه به محض بروز مسائل با آنها برخورد کنم. سال ها قبل خداوند به من مکاشفه ای داد که نزاع

و ستیزه یک روح شریر است که از جهنم فرستاده شده تا ویرانی به بار آورد. این روح برای زندگی زناشویی، کلیسا، مسایل کاری و همچنین روابط، نابودی به همراه دارد. او به من نشان داد که باید این روح را از زندگی هایمان بیرون کنیم. عدم برخورد، در را برای نزاع و ستیزه باز می کند. گاهی وقتی میبینید مسئله کوچکی دارد رخ میدهد، ممکن است به این دلیل که مسئله کوچکی است با آن برخورد نکنید و ترجیح دهید که اهمیتی به آن ندهید یا فکر کنید خود به خود از بین می رود. در هر صورت اگر با هر مسئله ای زمانی که کوچک است برخورد نکنید، آن مسئله از بین نمی رود، بلکه بزرگ و بزرگ تر می شود.

روباه های کوچک

”شغال ها، شغال های کوچکتر را که
تاکستان ها را خراب می کند برای ما
بگیرید. زیرا که تاکستان های ما گل
آورده است.“ (غزل غزل ها ۱۵:۲)

ما اکثر اوقات فکر می کنیم اگر مشکلات بزرگ را حل کنیم، زندگی هایمان عالی خواهد شد، ولی بیشتر وقت ها مشکلات کوچک (شغال های کوچک تر) آنهایی

هستند که ما را در تنگی می گذارند. اگر کسی چیزی به شما بگوید یا کاری انجام دهد که باعث ناراحتی تان شود و شما با آن برخورد نکنید، مسئله کوچکی خواهید داشت. اگر بار دیگر آن شخص احساسات شما را خدشه دار کند، یک مشکل کوچک دیگر خواهید داشت. پس هر بار که آن شخص احساسات شما را جریحه دار میکند، مشکل شما اندکی بزرگ تر می شود. بالاخره در نقطه ای که آن شخص کار غیرمنطقی یا نامربوطی را بدون اخطار قبلی انجام میدهد، آن وقت شما به حالت انفجار میرسید. چرا؟

زیرا با آن مشکلات کوچک، به موقع برخورد نکردید. وقتی مسئله کوچکی را دیدید، همانجا با آن برخورد کنید. اگر جایی هستید که می توانید با صدای بلند صحبت کنید، علیه آن موضوع فرمان بدهید و بگویید: "خداوندا، من آن شخص را می بخشم و ناراحت نمی شوم. من این ناراحتی را انبار نمی کنم چون حاضر نیستم در عذاب زندگی کنم. من اجازه نمی دهم شیطان شادی مرا بدزد. در نام عیسی مسیح، آمین!"

اگر با تمام چیزهای کوچکی که از آنها می ترسید، به موقع برخورد کنید، آنگاه برخورد با چیزهای بزرگتر برایتان آسان خواهد بود. وقتی داشتم یاد می گرفتم در مورد مسایل مالی زندگی به خداوند اعتماد کنم، برایم ترسناک تر بود که به خداوند برای کفشهای تئیس بچه ام باور داشته باشم تا برای میلیون ها

دلاری که نیاز است تا این گروه خدمتی را اداره کنیم. چرا؟ چون ایمانم بر روی چیزهای کوچکتر تمرکز نداشت. بیشتر مردم نمی خواهند وقت بگذارند تا با مسایل کوچک برخورد کنند. پس وقتی سر و کله مسایل بزرگتر پیدا می شود، آماده نیستیم تا با آنها برخورد و مقابله کنیم. حمله کردن به مشکلات کوچک و کارهای کوچک برای شما شادی می آورند.

"زیرا بر چیزهای اندک امین بودی، تو
را بر چیزهای بسیار خواهم گماشت.
به شادی خداوند خود داخل شو." (متی
۲۱:۲۵)

تصمیم بگیرید تا با هر مسئله ای چه کوچک و چه بزرگ، همانگونه که خداوند به شما نشان می دهد برخورد کنید. از مقابله با مشکلات نهراسید، برعکس بدانید که خداوند در هر کاری که شما را به آن هدایت می کند، کمکتان خواهد کرد. اگر با او قدم بردارید، حکمت و شجاعتی را که بدان نیاز دارید، به شما خواهد بخشید.

(۴)

خداوند سرزمین وعده را به شما بخشیده، آن را تصرف کنید!

به خاطر داشته باشید به ایمانی قوی نیاز داریم تا با آن بتوانیم با ترسهایمان مقابله کنیم و میراثی را که در پادشاهی خدا از آن ماست، به چنگ آوریم. خداوند اسرائیلیان را از اسارت در مصر بیرون آورد تا به سرزمینی که به آنها قول داده بود که میراث آنهاست بروند. سرزمینی پر از "شیر و عسل." (لاویان ۴۲:۰۲) سرزمین کامیابی. خداوند سرزمین موعود را به اسرائیلیان داده بود. آنها فقط می بایست آنرا به تصرف درمی آوردند!

"اینک یهوه خدای تو این زمین را پیش
روی تو گذاشته است، چنانکه یهوه
خدای پدرانت. به تو گفته است آن را

به تصرف آور و ترسان و هراسان
مباش." (تثنیه ۱:۲۱)

ده نفر از دوازده نفری که موسی آنها را پیشاپیش فرستاده بود تا آن سرزمین را دیده و جاسوسی کنند، گزارشی ناگوار آوردند: "در آنجا غول هایی را دیدیم، آنها آنقدر قوی و بلندقامت بودند که ما در مقابل آنها خود را کوچک احساس می کردیم؛ آنها هم در مورد ما همینطور فکر می کردند. مردم تمام شب با آواز بلند گریستند.

" (اعداد ۱۳:۳۲ و ۱:۱۴ و تثنیه ۱:۲۱-۲۵)

تثنیه ۱:۵۲-۰۳ تمام جریان را توضیح می دهد:

"و از میوه زمین به دست خود گرفته آن را نزد ما آوردند و ما را مخبر ساخته گفتند زمینی که یهوه خدای ما به ما می دهد نیکوست. لیکن شما نخواستید که بروید، بلکه از فرمان خداوند عصیان ورزیدید و در خیمه های خود همه کرده، گفتید چونکه خداوند ما را دشمن داشت ما را از زمین مصر بیرون آورد تا ما را به دست اموریان تسلیم کرده هلاک سازد. و حال کجا برویم چونکه برادران ما دل ما را گداخته گفتند که

این قوم از ما بزرگ تر و بلندترند و شهرهای ایشان بزرگ و تا آسمان حصاردار است و نیز بنی عناق را در آنجا دیده ایم . پس من به شما گفتم مترسید و از ایشان هراسان مباشید بیهوه خدای شما که پیش روی شما می رود برای شما جنگ خواهد کرد بر حسب هر آنچه به نظر شما در مصر برای شما کرده است."

اسرائیلیان دیدند که خداوند سرزمین خوبی به آنها داده است. او به آنها گفت بروند و آن را تصرف کنند و نترسند، ولی درعوض اسرائیلیان تصمیم گرفتند به او اعتماد نکنند. آنها ناراضی، رنجیده و شاکی شدند و در چادرهایشان (خیمه ها) نشستند. آنها فکر کردند خداوند از آنها متنفر است، چون آنها را به طرف نبرد هدایت می کرد. آنها تسلیم ترس هایشان شدند و علیه دستور او طغیان کرده و آن سرزمین را تصرف نکردند. دهانشان با گفتن اینکه تحویل اموریان داده خواهند شد، پراز هراس و تنفر بود. اسرائیلیان انهدام خودشان را نبوت کردند و قبل از وارد شدن به نبرد، شکست را پذیرفتند.

ما ایمانداران معبدهای روح القدس هستیم (اول قرن نهم ۶:۹۱). من باور دارم جسم ما "خیمه" خداوند است. گاهی ناراضی و شاکی می شویم. اگر ما خود

را در وضعیتی ببینیم که به نظر می رسد به همان بدی وضعیت قبلی است که خداوند به تازگی ما را از آن بیرون آورده، او را سرزنش میکنیم و به او می گوییم: "اگر مرا دوست داشتی، مرا از این وضعیت نجات می دادی. پس باید از من متنفر باشی، وگرنه هرگز مرا به اینجا نمی آوردی تا با این "دشمن" رو به رو شوم!" ما تسلیم ترس هایمان می شویم به جای اینکه با آن ها رو به رو شده و مقابله نماییم.

ما مسح شده ایم تا به جلو پیش رویم

در شرایطی مانند مشکلی که در بالا نام برده شد، خداوند ما را مسح نموده تا با آن مشکل روبه رو شده و از آن عبور کرده و به جلو پیش رویم. او ما را خوانده تا سرزمین وعده را فتح کنیم و ملکوت را با قدرت بگیریم. بله، او ما را از بعضی موقعیت ها نجات می دهد ولی در برخی موارد، ما را خوانده تا از آن عبور کنیم.

مزمور ۲۲:۴ می فرماید:

"چون در وادی سایه موت نیز راه روم
از بدی نخواهم ترسید زیرا تو با من
هستی."

گاهی اوقات شیطان "نیرومندان" به ما می گوید

تسلیم شده و دست بکشیم. تثنیه ۱۱:۰۳ می فرماید: "زیرا این حکمی که من امروز به تو امر می فرمایم برای تو مشکل نیست و از تو دور نیست." احکام خداوند برای کسانی که به او ایمان دارند، زیاد مشکل نیستند، زیرا روح او درون ماست تا به ما نیرومندانه کمک کند تا کاری را که از ما می خواهد، انجام دهیم. اشعیا ۸:۱۱-۲۱ به ما می گوید ایمانداران نباید از چیزهایی که دیگران می ترسند، هراسی داشته باشند: "زیرا که خداوند با دست قوی به من چنین گفت: از ترس ایشان ترسان و خائف نباش. چیزهایی که دنیا از آنها میترسد ارث ما نیستند." شما تنها کسی هستید که رفتار خودتان را کنترل می کنید. شما می توانید از هر آنچه دنیا از آن می ترسد، بترسید و هراسان باشید یا اعتمادتان را بر خداوند بگذارید و ایمان داشته باشید که هر آنچه در کلامش فرموده، انجام خواهد داد.

خدا هر جا ما را هدایت کند، همه چیز را مهیا خواهد کرد

با قدرت خداوند که در درون ماست، باید قادر باشیم در مقابل هر آنچه علیه ماست، ایستادگی کنیم. تعجب آور نیست که پولس رسول در فیلیپیان ۴:۳۱ فرمود:

"قوّت هر چیز را دارم در مسیح که مرا
تقویت می بخشد."

اگر به تمام چیزهایی که باید در آینده انجام دهیم بنگریم، اغلب خود را در برابر آنها ناتوان می یابیم و می ترسیم. ولی خداوند هر جا ما را هدایت کند، برای ما کمک نیز فراهم خواهد کرد. ما می توانیم اعتماد کنیم که او به ما فیض (یعنی قدرت روح القدس را) میبخشد تا کارها را به موقع و در همان زمانی که پیش می آیند، انجام دهیم. خداوند به ندرت چیزی را پیش از آنکه به آن نیاز داشته باشیم، به ما می دهد. او به اسرائیلیان نان روزانه شان را روز به روز می داد. اگر آنها سعی می کردند تا سهم روز بعد را ذخیره کنند، می گندید و بو می گرفت (خروج ۱۶:۰۲). ما باید از اینکه او برایمان همه چیز را فراهم می کند، خیالمان راحت باشد و به او اعتماد کنیم. فکرتان را به این صورت تنظیم کنید و بگویید: "من برای همه چیز آماده ام!" در قلب خود مصمم شوید تا سرزمینی را که خداوند به شما داده است، به تصرف درآورید. شما به عنوان یک ایماندار، توسط خداوند مسح شده اید تا از موانع عبور کنید. شما می توانید از کم رویی، ضعیف النفس بودن، ترس و هراس آزاد باشید. فقط شروع کنید به مقابله کردن با شیطان. به شیطان اجازه ندهید که شما را زیر فشار قرار دهد. علیه او به پا خیزید. به آن سینک پر از ظروف کثیف بگویید: "تو

خداوند سرزمین وعده را به شما بخشیده، آن را تصرف کنید!

مرا شکست نخواهی داد! در نام عیسای مسیح تا یک ساعت دیگر همگی شما شسته شده، خشک شده و در جای خود قرار خواهید گرفت!" من در تمام مدتی که مشغول انجام این کارها هستم، آواز میخوانم و خوشحالم.

خداوند سرزمین موعود را به ما داده است، سهم ما این است که با ترس ها مقابله کرده و آن سرزمین را به تصرف درآوریم.

(۵)

در هر شرایطی از زندگی خود لذت ببرید

اگر دارید یک مشکل تکراری را تجربه می کنید، ممکن است فکر کنید تا وقتی آن مشکل را دارم نمی توانم از زندگی خود لذت ببرم. این هم تفکر دیگری است که شیطان سعی می کند در ما قرار دهد تا شادیمان را بدزدد. خداوند می خواهد در هر موقعیتی پیروز باشیم و از زندگی لذت ببریم. مهم نیست مشکل چیست، او پیروزی و شادی را برای ما فراهم کرده است. ما تنها باید برویم و سرزمین موعود را به تصرف درآوریم و اگر شیطان طرز فکر شما را برنامه ریزی کرده، می توانید آن را عوض کنید. کولسیان ۱:۳-۲ می گوید فرمان را بر چیزهای متعالی تنظیم کنیم: "پس چون با مسیح برخیزانیده شدید، آنچه را

که در بالاست بطلبید در آنجایی که مسیح است، به دست راست خدا نشسته، زیرا که مردید و زندگی شما در مسیح خدا مخفی است." خداوند به شوهرم - دیو نشان داد که چگونه آنچه در فکرش بود را عوض کند و از زندگی اش در حین مقابله با یک مشکل تکراری و ادامه دار لذت ببرد. دیو، سالها از زمانی که پسری جوان بود، به طور مداوم سردرد میگرد داشت. اگر هرگز سردرد میگرد واقعی نداشته اید، مشکل بتوانید درد آن را تجسم کنید. سردرد میگرد چنان شدید است که تا اعماق وجودتان می رود. نوع سردرد دیو آنقدر شدید بود که جلوی چشمانش جرقه های نور سفید می دید. با وجودی که سردردها خیلی بد بودند، اما احساسی که بعد از آن داشت بیشتر او را ناراحت می کرد.

گاهی اوقات بعد از اینکه سردرد برطرف می شود، آن شخص برای مدتی احساس عجیبی دارد. کمی از دیگران فاصله میگیرد و قادر نیست به طور کامل در مسائلی که اطرافش اتفاق می افتد، مشارکت داشته باشد. دیو از آن سردردها می ترسید. او باور کرده بود تا وقتی آن سردردها را دارد، نمی تواند از زندگی اش لذت ببرد. ولی خداوند به او نشان داد تا ترسی به خودش راه ندهد و به او گفت: "لازم است طرز فکر جدیدی داشته باشی و آن هم این است: من از این

سردردها هراسی ندارم!" همچنین به او گفت اجازه ندهد این مشکل، او را تحت تأثیر قرار دهد.

تحت تأثیر کلام خداوند باشید

تحت تأثیر قدرت خداوند باشید. درواقع خداوند به دیو می گفت:

"ایمان داشته باش که قدرت من به آن حد است که به تو نیرو دهد تا به زندگی ادامه داده و با وجود این سردردها، از زندگی خود لذت ببری."

هر کدام از ما که با دردها و ناراحتی هایی زندگی می کنیم، وقتی منتظر شفا هستیم، دو راه داریم: (۱) می توانیم اجازه دهیم این مشکل، زندگی ما را تبدیل به جهنم کند، (۲) انتخاب کنیم که با وجود این شرایط، بهترین زندگی را داشته باشیم.

افرادی که سردردهای میگردن را تجربه می کنند، قبل از اینکه درد به منتهای خود برسد، شروع آن را می توانند احساس کنند. یکبار وقتی دیو داشت دچار این سردردها می شد، بلافاصله با آن برخورد کرد و گفت: "من از تو نمی ترسم، من تحت تأثیر تو قرار ندارم، من از تو هراسی نخواهم داشت! تصمیم گرفته ام در هر حالتی، از زندگیم لذت ببرم!" بعد از آن دیو

طرز فکرش را تغییر داد، ایمان داشت که خداوند به شکلی ماوراء الطبیعه‌هاو را قادر خواهد ساخت تا با وجود این سردردها از زندگی اش لذت ببرد. می دانید چه اتفاقی افتاد؟ او از آنها آزاد شد، آنها ناپدید شدند!

با حملات شیطان به شدت برخورد کنید

دیو، به محض اینکه احساس کرد سردردش دارد شروع می شود، با آن مقابله کرد. خداوند از ما می خواهد با مقابله علیه هر حمله ای از جانب شیطان که برای نابودی یا از بین بردن شادیمان انجام می دهد، از ترسهایمان آزاد شویم. گاهی اوقات وقتی در بدنمان علائم بیماری دیده می شود، به جای آن که همان لحظه دعا کنیم، صبر می کنیم تا ببینیم این بیماری تا چه حد پیش خواهد رفت. در حالی که باید به محض اینکه مشکلی دیدیم، فوراً با آن مقابله کنیم، در غیر این صورت بزرگتر خواهد شد.

اول پطرس ۵:۹ می فرماید: "پس به ایمان استوار شده (علیه حملات او) با او مقاومت کنید. بیدار باشید و دعا کنید تا هر حمله شیطان را بشناسید و موقع حمله اش با آن مقابله کنید!"

اگر این موضوع را به درستی دریابید، تعجب خواهید کرد که تا چه حد می توانید از مشکلات اجتناب کنید.

در مقابل شیطان، به محض اینکه علائم را مشاهده کردید، همان ابتدای حمله اش مقاومت کنید، با قوت و دعا کردن در نام عیسای مسیح با آنها مقابله کنید تا قدرت شفابخش مسیح شما را لمس نماید. بر خودتان دست بگذارید یا از شخص دیگری بخواهید تا در دعا شما را همراهی کند. اگر من و دیو یک روز صبح بیدار شویم و او بگوید: "حالم زیاد خوب نیست"، یا من بگویم: "سردرد دارم"، فوراً برای یکدیگر دعا می‌کنیم. در یکی از جلسات خدمتی، کسی نزد میز فروش نوارها آمد و به من گفت: "برایم دعا کنید، چون دارم صدایم را از دست می‌دهم!" او چندین بار دچار سینه پهلو شده بود. به دلیل اشکالاتی که در ریه هایش داشت، از دست دادن صدایش اولین علامت ابتلا به سینه پهلو بود. من بر روی او دست گذاشته و دعا کردم. او بعداً به من گفت پیش از آن که به خانه اش برسد، صدایش کاملاً بهبود یافت. او می‌توانست منتظر بماند و فکر کند: "شاید دارم مریض می‌شوم، یا شاید علتش ارتفاع باشد- کاری در این مورد نمی‌توانم بکنم!"- اما او برعکس فوراً با دیدن علائم، با بیماریش برخورد کرد و تقاضای دعا نمود. شیطان یک کیسه پر از بهانه به ما می‌دهد تا دروغهای او را قبول کنیم. او نمی‌خواهد ما حملات او را با استفاده از قدرت خداوند که در درون ماست، دفع کنیم.

تفکری تازه

اگر فکر می کنید نمی توانید از زندگیتان به دلیل یک مشکل تکراری که مدتهاست با آن دست و پنجه نرم میکنید لذت ببرید، مثلاً شخص به خصوصی که شما دائماً با او ارتباط دارید و شما را آزار می دهد، یا کاری که اغلب باید انجام دهید و آن را دوست ندارید- می توانید تصمیم بگیرید که با وجود آن مشکل، بهترین زندگی را داشته باشید. فکرمات را بر روی هرچیزی که متمرکز کنیم، احساساتمان به همان طرف می روند. برای مثال اگر نام کسی را بشنوید که مدت مدیدی است راجع به او فکر نکرده اید و احساسات شما را چریحه دار کرده، ممکن است در مورد آن شخص یا آن اتفاق فکر کنید و ناراحت شوید. هرچه بیشتر فکر کنید، ناراحت تر می شوید و سپس ناگهان احساس عصبانیت می کنید. به این دلیل که انتخاب کردید راجع به چیزی فکر کنید و در آن بمانید، می توانید از حالتی آرام به حالتی بی اندازه عصبانی تغییر کنید. پس بهتر است به جای فکر کردن در مورد مشکل فعلی، فکرتان را در مسیر دیگری تنظیم کنید. دیو مشکل سردرد میگرد را از دوران کودکی به عنوان بخشی از زندگیش داشت، آنهم هفته به هفته و ماه به ماه. ولی در یک لحظه از آن رها شد؛ چون فکرش را عوض کرد! و حالا سالها از آن

زمان می گذرد و در این مدت سردردهای میگرنش شاید فقط سه بار سراغش آمده اند. اولین باری که دیو پس از سالها دچار آن سردرد شد، وقتی بود که در یکی از جلسات خدمتی خودمان شهادت داد که چگونه سالهاست که از آن سردردها رها شده است. آنجا بود که به فاصله یکی دو روز بعد، یکی از همان سردردها به سراغش آمد.

می بینید اینجا چه اتفاقی افتاد؟ پشت این مشکلات، روح های شریر هستند و بیشتر مشکلاتی که به ما حمله می کنند، روح هایی هستند که از جهنم آمده اند و حمله کرده و سعی بر نابودی ما دارند! آنها دشمن هستند و ما بایستی فوراً و به شدت با آنها مقابله کنیم. شیطان از این مشکلات استفاده می کند تا شادیمان را با گذاشتن ما در موقعیت هایی که در ما هراس ایجاد می کند، از ما بدزدد. مهم نیست که مشکل یک سردرد باشد، درد کمر باشد و یا علائمی که خانم ها هر ماه تجربه می کنند. همان لحظه که ما کوچکترین علامت و نشانه را احساس کردیم، دچار ترس می شویم: "اوه، نه، باز هم آمد!" پس چگونه می توانیم وقتی در اسارت ترس هستیم، از زندگی لذت ببریم؟ ما از ترس، ترس داریم!

اول یوحنا ۳:۸ به ما می گوید:

"و از این جهت پسر خدا ظاهر شد تا

اعمال ابلیس را باطل سازد." یعقوب ۷:۴
می گوید: "و با ابلیس مقاومت کنید تا از
شما بگریزد."

اول پطرس ۵:۸ می گوید: "دشمن شما ابلیس مانند
شیر غران گردش می کند." نمی گوید او یک شیر
است، بلکه می گوید مانند یک شیر.

اسمیت ویگلزورث داستان یک سگ اهلی را می گوید
که این سگ روزی از خانه بیرون دوید و صاحبش
را دنبال کرد و دور پاهایش می چرخید. آن خانم به
سگش گفت: "عزیزم نمی توانم اجازه بدهم امروز با
من باشی" و سگ دمش را تکان داد و کلی سر و صدا
کرد و آن خانم گفت: "عزیزم برو خانه" ولی سگ
رفت. بالاخره آن خانم با خشونت فریاد زد: "برو
خانه" و سگ فوراً رفت. برخی افراد با شیطان اینگونه
رفتار می کنند. شیطان تمام ملایمت ها را از جانب
شما تحمل می کند، پس او را با خشونت دفع کنید.

شیطان و تمام ارواح شریری که دنبال ما هستند،
مانند آن سگ اند. وقتی به آنها می گوییم: "برو!" و در
نام خداوند در مقابل آنها مقاومت می کنیم، آنها فرار
خواهند کرد. روزی نقشه دشمن برملا خواهد شد و
اگر ما زندگیمان را در ترس گذرانده باشیم، به او نگاه
کرده و خواهیم گفت: "تو کسی هستی که من در تمام
زندگی ام از او می ترسیدم؟ تو کسی هستی که ملت

ها را فریب میدادی؟ تو؟"

شیطان مانند یک شیر غرّان در اطراف ما پرسه می زند، اما ما شیر یهودا را درون خود داریم که به ما قدرت می دهد تا شیطان را وادار به فرار کنیم! پس مصمم باشید!

برخی از ما مدتهاست مشکلاتی داریم که هرگز نمی دانستیم چطور باید از نظر روحانی با آنها مقابله کنیم. ولی خدا را شکر می کنم که اکنون می توانیم حملات جدیدی را علیه دشمن آغاز کنیم و همزمان با برخی از مشکلات قدیمی که ریشه هم دوانده اند، برخورد نمائیم. شاید از دست مشکلاتی که ریشه دوانده اند، به سختی راحت شویم، ولی این کار، شدنی است. در حالت طبیعی برای دیو غیرممکن بود که از دست دردهای میگرنی اش بهبود پیدا کند، اما با وجودی که این مشکل خیلی قدیمی بود و ریشه دوانیده بود، او توانست با مواجه شدن با آنها، پس از سالها از دستشان خلاص شود و سردردها فوراً ناپدید شدند! گاهی نتیجه، فوری است و گاهی هم یک پروسه خواهد بود، ولی در هر وضعیت با اولین علامت شیطان در برابرش مقاومت کنید و او از شما خواهد گریخت!

(٦)

ایمان، دارای نگرش است

برای لذت بردن از تمامی میراثی که خداوند برایتان دارد، با او هم رأی شوید تا هر آنچه او برایتان میخواهد را دریافت کنید. عاموس ۳:۳ می گوید: "آیا دو نفر با هم راه می روند جز آنکه متفق شده باشند؟" پس با خداوند متفق شوید که فکرتان تنظیم شود و آن را در جهت درست نگه دارد.

انتظار شادی بخش از نیکویی

اگر نگرش درستی از ایمان داشته باشیم، قدرت خداوند بر ما قرار می گیرد تا بتوانیم کارهای سختی را که باید به انجام برسانیم، با شادی، لذت و خوشی انجام دهیم و راحتی و آسایش روح القدس بر ما می

آید. اما اگر با رفتاری نادرست کارها را انجام دهیم، فقط دچار تیره روزی خواهیم شد. همانگونه که در تثنیه ۱:۷۲ دیدیم، اسرائیلیان رفتار بدی داشتند! آنها ناراضی و شاکی بودند و در خیمه هایشان نشستند. فکر کردند تصرف سرزمین موعود خیلی مشکل و یا غیرممکن است. آنها نمی خواستند با موفقیت رو به رو شوند. می خواستند همه چیز به راحتی به دستشان برسد. با وجود معجزاتی که خداوند برای بیرون آوردنشان از مصر و هدایتشان کرده بود، اسرائیلیان به او اعتماد نکردند که او قادر است آنها را راهنمایی و محافظت کند تا آن سرزمین را به تصرف درآورند. (آیات ۰۳، ۲۳) در عوض به ترسشان اعتماد کردند:

"از حوریب تا راه جبل السعیر از طریق
قادش برنیع یازده روز است (مرز
کنعان) ولی اسرائیلیان آن را در مدت
چهل سال طی کردند." (تثنیه ۱:۲)

سفر اسرائیلیان به سرزمین موعود که می توانست
یازده روز به اتمام برسد، فقط به دلیل شکایت های
آنها و کم ایمانی شان به مدت چهل سال به طول
انجامید! (اعداد ۱:۶۲-۴۱-۵۳) (تثنیه ۱:۶۲-۱:۰۴)

شکایت کردن، در را به روی دشمن باز
می کند تا وارد شده و نابود کند. (اول
قرنتیان ۱۰:۱۰)

رفتار کردن از روی ایمان، حاکی از تکیه کردن بر خداوند و اطمینان و اعتماد داشتن به عیسای مسیح است- این همان انتظار شادی بخش از نیکویی است. به جای این که از چیزی هراس داشته باشیم و یا پیش بینی کنیم که ما را بدبخت خواهد کرد، می توانیم ایمان داشته باشیم که خداوند می تواند به ما قدرت بدهد تا از آن چیز لذت ببریم.

چند سال پیش تصمیم گرفتم که دیگر در بدبختی زندگی نکنم. گفتم: "خداوندا من یک چیز را نمی فهمم. همه کارهای روحانی ای را که دیگران می گویند انجام میدهم، ولی همچنان احساس بدبختی میکنم!"

بخش بزرگی از جوابم، در به کار بردن اصولی بود که خداوند به من نشان داد که در این کتاب، بسیاری از آن کارهای عملی و ساده را نام برده ام. کتاب مقدس، کاربردی است! برخی از مشکلاتی که ما فکر می کنیم خیلی شاق و غیرقابل تحمل هستند، آنقدرها هم مشکل نیستند. فقط به این خاطر که به ترس اجازه ورود میدهیم، شادیمان از راه های کوچک دزدیده می شود. ما بیشتر وقتمان را صرف درگیری با چیزهای بیرونی می کنیم، در حالی که باید اجازه دهیم خداوند چیزهای درونی ما را درست کند.

شادی، آرامش، راستی، قدرت درون ما هستند.

رومیان ۸:۱۱ می فرماید: "همان روحی که مسیح را

از مردگان برخیزانید، درون ما زندگی می کند. و بدن فانی ما را زنده می کند." قدرت حیات بخش خداوند می تواند بر هر کاری که دست می زنیم، قرار بگیرد. قدرت خداوند می تواند بر ما بیاید و به ما قوت ببخشد تا کارها و وظایف روزمره را با شادی ای عظیم انجام دهیم. افسسیان ۵:۸۱ به ما می فرماید: "مست شراب مشوید ... بلکه از روح پر شوید."

هنگامی که فکرمان را بر داشتن چیزهای بهتر درونی تنظیم می کنیم و اینگونه به زندگی ادامه می دهیم، دیگر حتی اهمیتی نخواهیم داد که دشمن با حملاتش از طریق ترس و هراسهای کوچک به ما حمله می کند، بلکه به کار خودمان می پردازیم. ما باید سرشار از فکرهای درست باشیم و با تنظیم کردن فکرمان بر اینکه خداوند کیست و چه میراث روحانی ای به وسیله عیسی مسیح برای ما فراهم شده است، به شیطان اجازه ندهیم تا شادی ما را به وسیله افکار وسوسه کننده خراب کند. خوبی بر بدی چیره می شود (رومیان ۲۱:۲۱) ولی این ما هستیم که باید خوب را برگزینیم. ما می توانیم افکارمان را بر چیزهای نیکو متمرکز کنیم و افسسیان ۵:۸۱-۰۲ را در زندگیمان به کار ببندیم که می گوید: "با یکدیگر به مزامیر و تسبیحات و سرودهای روحانی گفت و گو کنید و در دلهای خود به خداوند بسرایید و ترنم نمایید و پیوسته به جهت هر چیز، خدا و پدر را به نام خداوند

ما عیسی مسیح شکر کنید. " (آیات ۹۱ و ۰۲) همچنین در کولسیان ۲: ۳ و ۳ می فرماید:

"در آنچه بالاست تفکر کنید نه در آنچه بر زمین است، زیرا که مرید و زندگی شما با مسیح در خدا مخفی است."

ما قادریم در چیزهای برتر تفکر کنیم، زیرا نسبت به خواسته های شیطانی دنیا که در کولسیان ۳: ۴-۵ توضیح داده شده، مرده ایم. این خواسته های شیطانی شامل ترس و هراس نیز می باشد. افکاری نیرومند داشته باشید نه افکاری پر از بیم و هراس.

"چون مسیح که زندگی ماست ظاهر شود، آنگاه شما هم با وی در جلال ظاهر خواهید شد. وقتی مسیح که زندگی ماست ظهور کند شما نیز با او در شکوه و جلال ظهور خواهید کرد. بنابراین تمایلات دنیوی یعنی زنا، ناپاکی، هوا و هوس، شهوت و طمع را در خود نابود سازید." (کولسیان ۳: ۴-۵)

ایمان در زمان حال است

ایمان همیشه در زمان حال است. اغلب ما زمان بسیار زیادی را صرف فکر کردن به دیروز و فردا می‌کنیم؛ صرف زندگی کردن در چیزی که من نام آن را گذاشته‌ام "افسوس‌ها و هراس‌ها"! ما افسوس کاری که انجام داده‌ایم را می‌خوریم. درحالی که اکنون دیگر نمی‌توانیم در مورد آن کاری بکنیم، جز اینکه از خداوند بخواهیم آن را بپوشاند و بتوانیم به نحوی، چیز نیکویی از آن به دست آوریم.

رومیان ۸:۸۲ می‌فرماید: "و می‌دانیم به جهت آنانی که خدا را دوست می‌دارند و به حسب اراده‌ی او خوانده شده‌اند، همه چیزها برای خیریت (ایشان) با هم در کار می‌باشند."

البته ما نمی‌خواهیم زیاده روی کنیم و در مورد گناه، نگرش گستاخانه‌ای داشته باشیم! ولی شما می‌توانید زندگیتان را صرف تأسف خوردن از اشتباهاتی که کرده‌اید، بکنید. می‌توانید از ازدواجتان که به شکست منجر شده، یا در شغلی که موفق نشدید، یا فرصتی را که از دست داده‌اید و هیچ راهی ندارید تا آن را جبران کنید، تأسف بخورید و مدام بگویید: "خداوندا، متأسفم که این کار را کردم. تأسف می‌خورم که آن را انجام دادم. ای کاش آن کار را نکرده بودم!" در حالی که باید به نقطه‌ای برسید که خودتان را ببخشید و به زندگی ادامه بدهید.

اگر در "افسوس ها" زندگی می کنید، درحقیقت در "ایمان" زندگی نمی کنید. چون زمان ایمان، زمان "حال" است. ایمان برای همین حالاست. ایمان امروز من می گوید به گذشته من رسیدگی خواهد شد. من آن انتظار لذت بخش از نیکویی را همین حالا باید داشته باشم. ایمان من امروز می تواند بگوید خداوند می تواند در مورد گذشته من کارهایی انجام دهد و باعث شود که تمام آن ها که اتفاق افتاده، به جهت خوبی من عمل نماید. پس اگر امروز ایمان داشته باشیم که خداوند می تواند به گذشته من رسیدگی کند و آن را اصلاح کند، امروز می توانم شادی داشته باشم.

اگر به خاطر طرز فکر و احساساتم، با دیروزم سر و کله می زنم، راجع به آن فکر می کنم و نگران هستم یا راجع به چیزهایی که دیگر نسبت به آنها کاری از دستم بر نمی آید، پس باید بگویم امروز را تلف کرده ام. و اگر می خواهم همه چیزهای آینده را حسابگری کنم و از چیزهای آینده ترسان باشم، امروزم را نیز از دست داده ام.

طرز فکرتان را برای پیروزی تنظیم نمایید

وقتی صبح از خواب بیدار می شوید، روز را با نگرشی حاکی از ایمان آغاز کنید. فکرتان را برای پیروزی تنظیم نمایید. راجع به کاری که باید انجام دهید، فکر کنید و طرز فکرتان این باشد که آن کار را با شادی فراوان، بدون

ترس یا غرغر و شکایت انجام خواهم داد. فکر هراسناک می گوید: "وقتی باید امروز بعضی از این کارهایی را که دوست ندارم، انجام دهم، پس نمی توانم از زندگیم لذت ببرم. ای کاش مجبور نبودم آنها را انجام دهم!" ولی طرز فکر حاکی از ایمان می گوید: "وقتی مسیح بر روی صلیب مرد، من با او مردم. من از نظر قانونی نسبت به خواسته های شیطان مانند هراس و ترس، مرده ام. ترس از خداوند نمی آید. من مجبور نیستم در ترس زندگی کنم، پس خودم را نسبت به آن چیزها مرده می دانم. ترس و هراس امروز نخواهد آمد و با من رابطه ای ندارد، زیرا من همان روحی را دارم که مسیح را از مردگان زنده کرد و اوست که در من زندگی می کند و من با ترس هایم می جنگم. من کارهایی را که شیطان سعی می کند در زندگیم انجام دهد، قبول نخواهم کرد. من از گذشته، متأسف و از آینده، بیمناک نخواهم بود. من اعتماد و اطمینانم را بر خداوند گذاشته ام و با شادی انتظار دارم که امروز چیزهای خوبی اتفاق می افتد. زیرا مسیح آمد تا من زندگی داشته باشم و از آن به فراوانی لذت ببرم. در نام عیسیای مسیح، آمین."

خداوند با من آنقدر کار کرد و کار کرد تا یاد گرفتم در زمان حال زندگی کنم. من تصمیم گرفته ام دیگر امروزم را از دست ندهم، در زمان حال زندگی کنم، و از تمام دوران زندگیم لذت ببرم. شما چطور؟

(۷)

آیات قابل استفاده در مقابله با ترس

همانگونه که در آیات بسیاری دیده ایم، خداوند می فرماید که نه ترس داشته باشیم و نه هراس. آآ خداوند همچنین به ما اطمینان می دهد که قادریم این کار را انجام دهیم، چون فرامین او مشکل نیستند. (تثنیه ۴۰:۱۱-۱۴)

"و او ما را توانایی می دهد که آنها را انجام دهیم." (فیلیپیان ۴:۱۳)

"بیدار باشید و دعا کنید تا در معرض آزمایش نیفتید. روح راغب است لیکن جسم ناتوان." (متی ۲۶:۴۱)

"در دعا مواظب باشید و در آن با شکرگزاری

بیدار باشید." (کولسیان ۲:۴)

"و از آن جهت ما نیز از روزی که این را شنیدیم، باز نمی ایستیم از دعا کردن برای شما و مسئلت نمودن تا از کمال معرفت اراده ی او در هر حکمت و فهم روحانی پر شوید." (کولسیان ۹:۱)

"قوی و دلیر باش مترس و هراسان مباش، زیرا در هر کجا که بروی یهوه خدای تو با توسست." (یوشع ۹:۱)

"یهوه صباپوت را تقدیس نمایید و او ترس و خوف شما باشد." (اشعیا ۱۳:۸)

"آقای او به وی گفت: آفرین ای غلام نیک متدین! بر چیزهای اندک امین بودی، تو را بر چیزهای بسیار خواهم گماشت. به شادی خداوند خود داخل شو." (متی ۲۵:۲۱)

"زیرا خدا روح جُبن را به ما نداده است بلکه روح قوت و محبت و تأدیب را." (دوم تیموتائوس ۷:۱)

"در محبت ترس نیست، بلکه محبت کامل ترس را بیرون می اندازد." (اول یوحنا ۴:۱۸)

"اینکه یهوه خدای تو، این زمین را پیش روی تو گذاشته است، پس برو و چنانکه یهوه خدای پدرانت به تو گفته است، آن را به تصرف آور و ترسان و هراسان مباش." (تثنیه ۱:۲۱)

"قوت هر چیز را دارم در مسیح که مرا تقویت می بخشد." (فیلیپیان ۴:۱۳)

"چون در وادی سایه موت نیز راه روم از بدی نخواهم ترسید زیرا تو با من هستی." (مزمور ۲۳:۴)

"پس چون با مسیح برخیزانیده شوید، آنچه را که در بالاست بطلبید، در آنجایی که میسح است، به دست راست خدا نشسته، در آنچه بالاست تفکر کنید، نه در آنچه بر زمین است. زیرا که مردید و زندگی شما با مسیح در خدا مخفی است." (کولسیان ۳:۱-۳)

"هر چه راست باشد و هر چه مجید و هر چه عادل و هر چه پاک و هر چه جمیل و هر چه نیک نام است و هر فضیلت و مدحی که بوده باشد در آنها تفکر کنید." (فیلیپیان ۴:۸)

نسبت به این بیم و ترس ها که می آیند تا شادی شما

را در زندگی از بین ببرند، بیدار باشید. از خداوند بخواهید تا به شما کمک کند آنها را بشناسید و سپس با آنها با کلام او برخورد نمایید. ذهنتان را از طرز فکر مبتنی بر ترس را (ترس مرده و ایمان زنده است) تغییر دهید. بیاموزید تا لحظه به لحظه هر روز را پیروزمندانه زندگی کنید و شادی زندگی کردن در یک زندگی پیروزمندانه را تجربه نمایید. آمین

آشنائی با نویسنده

جوئیس مایر یکی از معلمین عملی کتاب مقدس در سطح جهانی است که از سال ۱۶۷۹۱ به تعلیم کلام خدا پرداخته و از سال ۰۸۹۱ وارد یک خدمت تمام وقت شده است. یک نویسندهٔ ۱ پر فروش نیویورک تایمز هست. او حدود ۰۰۱ کتاب الهام بخش نوشته از جمله افکار قدرت، ۰۰۱ راه برای آسان کردن زندگی شما، تمام سری کتاب‌های میدان نبرد ذهن، اولین مبادرت او به داستان نویسی با پنی، و بسیاری دیگر شروع شده است. او هزاران تعلیم صوتی نیز منتشر کرده. همچنین مجموعهٔ کاملی از ویدئوهای جوئیس مایر با عنوان از هر روز زندگی لذت ببرید در رادیو و تلویزیون‌های سراسر جهان پخش میشوند. او برای برگزاری کنفرانس بطور گسترده‌ای سفر میکند. جوئیس و شوهرش دنیو دارای چهار فرزند بزرگ هستند و در سنت لوئیس میسوری زندگی میکنند.

دعای نجات

خداوند دوستدار شما و خواهان داشتن رابطه شخصی با شماست. اگر هنوز عیسی مسیح را به عنوان نجات دهنده نپذیرفته اید، می توانید همین حالا او را بپذیرید. کفایت قلب خود را به سوی او بگشایید و این دعا را تکرار کنید:

"پدر، می دانم در حضور تو گناهکارم. لطفاً من را ببخش و پاکم کن. قول می دهم اعتمادم بر پسر تو، عیسی، باشد. ایمان دارم او برای من مرد و گناهان من را با مرگش بر صلیب، بر خود گرفت. ایمان دارم که از مردگان برخیزانیده شد. همین حالا زندگیم را تسلیم عیسی می کنم."

پدر، برای عطای بخشش و حیات ابدی تو ممنونم. کمکم کن تا برای تو زندگی کنم. در نام عیسی، آمین."

پس از خواندن این دعا از صمیم قلب، خدا دعایتان را پذیرفته، شما را پاک، و از اسارت مرگ روحانی رهایی می بخشد. برای خواندن و مطالعه آیات زیر وقت بگذارید و از خدا بخواهید تا در حالی که با او

قدم می زنید، با شما در این سفر زندگی جدید صحبت کند.

یوحنا ۱۶:۳ اول قرنتیان ۱۵:۳-۴

افسسیان ۴:۱ افسسیان ۲:۸-۹

اول یوحنا ۹:۱ اول یوحنا ۴:۱۴-۱۵

اول یوحنا ۱:۵ اول یوحنا ۵:۱۲-۱۳

دعا کنید و از او بخواهید به شما کمک کند کلیسایی را بیاید که تعالیم آن بر اساس کتاب مقدس بنا شده است تا باعث تشویق و رشد رابطه شما با مسیح گردد. خدا همواره با شماست.

برای ارتباط با نویسنده
میتوانید با آدرس‌های زیر تماس بگیرید:
امریکا:

Joyce Meyer Ministries
PO. Box 655
Fenton, MO 63026
USA
(636) 349-0303
www.joycemeyer.org

کانادا:

Joyce Meyer Ministries—Canada
PO. Box 7700
Vancouver, BC V6B 4E2
CANADA
(800) 868-1002

استرالیا:

Joyce Meyer Ministries—Australia
Locked Bag 77
Mansfield Delivery Centre
Queensland 4122

Australia

(07) 3349 1200

انگلستان:

Joyce Meyer Ministries—England

PO. Box 1549

Windsor SL4 1GT

United Kingdom

01753 831102

برای دسترسی و مشاهده موعظات جویس مایر
به زبانهای مختلف به سایت tv.joycemeyer.org مراجعه نمایید.

ما اغلب خوف را بعنوان احساسی منفی نسبت به اتفاقاتی که هر روزه در زندگی ما رخ می دهند تجربه می کنیم. خوف اغلب به شکل نامحسوسی بر افکار شما اثر می گذارد و به شکل اضطرابی در می آید که حتی می تواند ضربه ای اساسی به ایمان شما بزند. اجازه ندهید خوف آرامش و خوشی شما را از شما برباید و همین امروز یاد بگیرید که چگونه به عمل این دشمن فریبکار پایان دهید.

در این کتاب تاثیرگذار جویس میر اشکال ظریف خوف را که در پی نابود کردن آن حیات غنی هستند که خدا برایتان تدارک دیده بر شما آشکار می کند. کلام خدا این توان را به شما می دهد که این روباهان کوچک را تشخیص دهید و از همان ابتدا با آنها مقابله کنید. خدا این فیض را به شما داده است از امور روزمره لذت ببرید و در آزادی که خدا برایتان تدارک دیده زندگی کنید. اجازه ندهید انتظارات نادرستی که خوف در شما پدید می آورد ایمانتان را تخریب کند. و زندگی خود را با این انتظار که خدا هر لحظه برای شما بهترین را تدارک دیده است سپری کنید.